

درس هفدهم: سپیده دم

ردا*: لباس بلند، جلوپاز و بی دکمه

(ای که ردای حسین را بر دوش و فورشید کربلا را در بر داری)

برین*: بالاین، برتر

(ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین پیوند فورده ای)

دیرین: قدیمی

(ای مسافر دیرین بر روی قار و درد)

حماسه*: دلیری، نوعی از شعر که در آن از جنگ ها و دلاوری ها سخن می رود.

(ای برترین حماسه)

معرکه: میدان جنگ، نام روستایی در جنوب لبنان

(تاریخ روزی روستای کوچکی را به یاد فواهد آورد که «معرکه» خوانده می شود).

صدر: سینه، بالای مجلس، اول هر چیزی (اینجا معنی امام موسی صدر می دهد)

شرافت*: ارجمندی، باشرف بودن

کرامت: بزرگی (روستایی که با صدرش با سینه اش از شرافت خاک و کرامت انسان بودن، دفاع کرد).

نخل: درخت خرما

عنب: انگور

تاکستان*: باغ انگور، باغی که در آن تاک کاشته باشند.

(بجز تو کسی نمانده است که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد)

درس هفدهم: گنج حکمت (مزار شاعر)

لگام*: افسار، دهنه اسب [عنان، مهار، زمام]

زرین: طلایی

(تیمور لنگ گاه سوار بر اسبی که لگامی زرین داشت از میدان پنگ به گورستان می‌رفت)

مزار: قبر، جای زیارت

نیاکان: جمع نیا، پدران (نیا: جد)

(هرگاه بر مزار یکی از نیاکان خود یا شاعری بزرگ و ... می‌گذشت، سرفروود می‌آورد و او را می‌پوسید)

جذبه: کشش

اسرارآمیز: ناشناخته، مرموز

(هزبه‌ای اسرارآمیز او را به سوی فردوسی کشید)

قره‌قوم: نام صحرایی در کشور ترکمنستان کنونی

تاتار: مغولستان

معبد: عبادتگاه

(از راه قره‌قورم به سوی تاتار، آن‌جا که نیای بزرگش، پنگیز در معبدی آهنین آرمیده است، روی آورد.)

گروه‌های مهم املائی

* آسمان برین - خار و درد - برترین حماسه - صدر و سینه - نخل و غنبد و تاکستان

* لگامی زرین - قبر و مزار - جذبه‌ای اسرارآمیز - راه قره‌قوم - تاتار و مغولستان - معبدی آهنین

تاریخ ادبیات

سمفونی پنجم جنوب: نزار قبانی